

راهکارهای قرآن برای رونق اقتصادی

صمد عبداللّهی عابد*

دانشیار دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز

مهری قبادی**

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۶/۲۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۱۴)

چکیده

در دنیای امروز که ابزار تولید و توزیع پیشرفت کرده، روابط اقتصادی به شدت پیچیده شده است و هر کشوری برای بهبود وضع اقتصادی خود تلاش می‌کند، به طوری که هر روز عرصه را برای رقیبان خود تنگ‌تر می‌سازد و اهمیت این امر وقتی مشخص می‌شود که تأثیرهای اقتصاد را بر سیاست و فرهنگ مشاهده کنیم. در جامعه جهانی امروز کشوری که اقتصاد آن ضعیف باشد، ناچار در مواردی مجبور است زیر بار تهاجم سیاسی و فرهنگی صاحبان اقتصاد باشد. در این مورد، کشورهایی که اقتصاد ضعیف دارند، دو کار اساسی باید انجام دهند و آن، تقویت تولید و استحکام بنیه‌های اقتصادی و نیز مقاومت در برابر فشارهای سیاسی و فرهنگی رقیبان برای حفظ هویت خود است. حال هدف ما این است که بررسی کنیم، چگونه می‌توان با استفاده از مؤلفه‌هایی که قرآن به جامعه ارائه می‌دهد، اقتصادی موفق داشته باشیم و تمدن اسلامی معاصر را شکل دهیم و به صورت عملی مورد استفاده قرار دهیم. بنابراین، در این جستار سعی خواهد شد تا پیشنهادهایی از قرآن کریم و روایات ارایه شود تا بر مشکلات اقتصادی جامعه فایده آید.

واژگان کلیدی: قرآن، اقتصاد، رونق اقتصادی، جامعه.

* E-mail: s1.abdollahi@yahoo.com

** E-mail: M_sama1390@yahoo.com (نویسنده مسئول)

مقدمه

اقتصاد ایران در سایه تفکر جمهوری اسلامی همیشه آماج حملات دشمنان است و یکی از ضربه‌های دشمنان که می‌تواند جامعه را دچار تزلزل کند، مشکلات اقتصادی است. در واقع، یکی از عناصر و اجزای جامعه که به شکل مستقیم، سکن هدایت یک جامعه را در دست می‌گیرد، اقتصاد آن کشور است و هرگونه قدم برداشتن برای اصلاح و بهبود آن می‌تواند به منزله گام‌هایی در جهت تعالی دیگر بخش‌های جامعه و رفاه حال عمومی و فعالیت اعتلای پایه نظام و کشور باشد. قرآن کریم افزون بر بیان اهمیت و تأکید بر انجام جهاد و رونق اقتصادی، در آیات فراوانی شیوه‌های عملی بهره‌گیری از مواهب طبیعی را عمران و آبادانی زمین و دستیابی به پیشرفت اقتصادی افراد و جوامع پیش روی آنان نهاده است.

۱- اهمیت اقتصاد در جامعه

مهم‌ترین عاملی که جامعه انسانی را بر اساس خود پایدار می‌دارد، اقتصاد است که خداوند آن را مایه قوام جامعه قرار داده است. نقش ثروت در زندگی فردی و اجتماعی، همچون نقش آب در زندگی جانداران است؛ یعنی همچنان که زندگی جانداران بدون آب ممکن نیست و حیات همه موجودات زنده به آن بسته است، در زندگی فردی و اجتماعی نیز حیات افراد به مال و ثروت بستگی دارد و بدون آن، ادامه حیات ممکن نیست. نیز همچنان که جریان یافتن خون در بدن، موجب حیات همه بافت‌های بدن شده، جسم انسان را شاداب نگه می‌دارد، جریان داشتن پول، ثروت و مواهب طبیعی در رگ‌های اجتماع، موجب زنده ماندن همه طبقات اجتماع و شاداب ماندن جامعه انسانی می‌شود. از همین روی، قرآن کریم ثروت را عامل پایایی و قیام فرد و جامعه می‌داند: ﴿وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا...﴾ (النساء/۵). در واقع، از آن روی که مال سبب قیام و استقلال است، آن را بنا بر اطلاق مستبب بر سبب برای مبالغه به قیام نامیده است (ر.ک؛ حقی بروسوی، ۱۴۲۱ق، ج ۲: ۲۰۲).

پس یکی از عناصر و اجزای جامعه که به شکل مستقیم، سگان هدایت جامعه را در دست می‌گیرد، اقتصاد آن کشور است و هر گونه قدم برداشتن برای اصلاح و بهبود آن می‌تواند به منزله گام‌هایی در جهت تعالی دیگر بخش‌های جامعه و رفاه حال عمومی و فعالیت در اعتلای پایه نظام و کشور باشد. در نظام اقتصاد اسلامی، تأمین رفاه عمومی و زدودن فقر از سطح جامعه و نیز رسیدن به اقتدار و استقلال اقتصادی، مستلزم داشتن اقتصادی شکوفا و در حال رشد است. استقلال اقتصادی و شکوفایی آن را می‌توان از آیات قرآن دریافت. از اطلاق برخی آیات و لازمه برخی دیگر، لزوم استقلال و شکوفایی آن فهمیده می‌شود؛ برای مثال می‌فرماید: ﴿...وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است ﴿(التساء/۱۴۱)﴾ که غالب فقهای بزرگ اسلام، برای نفی هر گونه سلطه کافران بر مسلمانان بدین آیه استناد کرده‌اند و مفاد آن را محکم دانسته‌اند؛ یعنی مسلمانان می‌باید کاری کنند که کفار به آنان مسلط نشوند و هر عملی که منتهی به سلطه کفار شود، نامشروع است و از جمله راه‌های سلطه کفار بر مؤمنان، سلطه اقتصادی است. متأسفانه در این روزگار سلطه اقتصادی بیگانگان بر مسلمانان تحقق یافته است و این واقعیت تلخ به دلیل عمل نکردن مسلمانان به مقتضای ایمان و مهجور گزاردن قرآن می‌باشد. مطابق مستفاد این آیه، مؤمنان وظیفه دارند تلاش کنند و خود را از وابستگی‌ها، از جمله وابستگی اقتصادی، رهایی دهند. در آیه دیگری می‌خوانیم: ﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ اگر مؤمن هستید، سستی مکنید و غمگین مشوید که شما برترید ﴿(آل عمران/ ۱۳۹)﴾. از این آیه استفاده می‌شود که از لوازم ایمان، بی‌نیازی اقتصادی از کفار و خودکفایی مسلمین است؛ زیرا نیاز همیشه ملازم با ذلت و اسارت است و امتی که بخواهد عزیز و سربلند زندگی کند، باید خود را از یوغ کفار آزاد کند. همچنین خداوند می‌فرماید: ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ محمد (ص) فرستاده خداست و کسانی که با او

هستند، در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند. پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می‌بینی، در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را خواهانند. نشانه آنها در چهره ایشان از اثر سجده نمایان است. این توصیف آنان در تورات و انجیل هست، همانند کشته‌ای که جوانه‌های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و به قدری نمو و رشد کرده که کشاورزان را به شگفتی وامی‌دارد. این برای آن است که کافران را به خشم آورد (، ولی) کسانی از آنها را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند وعده آموزش و پاداش بزرگی داده است ﴿الفتح/۲۹﴾.

در این آیه مبارک، در توصیف امت اسلام، با جمله ﴿فَاسْتَعْلَظْ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوْقِهِ﴾ روبه‌رو می‌شویم. مسلماً تا چنین هدفی در عملیات اقتصادی منظور نگردد و مسلمانان خود را از دنباله‌روی کردن خلاص نکنند، نه تنها در اقتصاد، پیوسته شکست می‌خورند، بلکه در اخلاق و فرهنگ که منشأ هر گونه شکست مادی و معنوی دیگر است، شاهد سقوط قطعی خود خواهند بود. از این رو، مسلمین باید اقتصادی خودکفا و غیر متکی به غیر داشته باشند (ر.ک؛ موسوی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۱۳۷). در سوره انفال نیز می‌خوانیم: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِّن قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِّن دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِن شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَظْلَمُونَ﴾ و هر چه در توان دارید، از نیرو و اسبهای آماده بسیج کنید تا با این [تدارکات]، دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان - که شما آنان را نمی‌شناسید و [تنها] خدا آنان را می‌شناسد - بترسانید، و هر چیزی در راه خدا خرج کنید، پاداشش به خود شما بازگردانیده می‌شود و بر شما ستم نخواهد رفت ﴿الأنفال/۶۰﴾.

«قوه» در برخی روایات به «شمشیر، سپر و تیر» معنی شده است (ر.ک؛ عیاشی، ۱۴۲۱ق، ج ۲: ۲۰۴، ۱۷۵۴ و ۱۷۵۵)، ولی «قوه» کلمه کوچک و پرمعنایی است و نه تنها وسایل جنگی و سلاح‌های مدرن هر عصری را در بر می‌گیرد، بلکه تمام نیروها و قدرت‌هایی را که به نوعی از انواع در پیروزی بر دشمن اثر دارد، شامل می‌شود، اعم از نیروهای مادی و معنوی (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۲۲۲).

از قدرت‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... که در مفهوم «قوه» مندرج هستند و نقش بسیار مؤثری در پیروزی بر دشمن دارند، نباید غفلت کرد. بنابراین، نیروی اقتصادی برای رویارویی با دشمن از اهمیت بسزایی برخوردار است، به‌ویژه در جنگ‌های امروز که قدرت اقتصادی یکی از دو طرف جنگ، در سرنوشت آن نقش بسزایی دارد.

۲- جهاد و پیشرفت اقتصادی در قرآن

قرآن کریم مجاهدانی را که از مال و جان خود می‌گذرند، می‌ستاید و از آنان به نیکی یاد می‌کند. در زیر به صورت خلاصه به چندی از این موارد پرداخته شده است.

۱- انجام جهاد و تلاش اقتصادی از ویژگی‌های پیامبر اکرم (ص) و مؤمنان است و مجاهدان اقتصادی بر قاعدان اقتصادی برتری و ترجیح دارند: ﴿...فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ...﴾ (النساء / ۹۵).

۲- مجاهدان اقتصادی مقام والایی در نزد خداوند متعال دارند: ﴿...أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ...﴾ (التوبة / ۲۰).

۳- جهاد و تلاش اقتصادی موجب خیر ﴿لَهُمُ الْخَيْرَاتُ﴾ و رستگاری ﴿هُمُ الْفَائِزُونَ﴾ و پاداش فراوان ﴿أَجْرًا عَظِيمًا﴾ از آن مؤمنان است.

۴- مجاهدان اقتصادی، در ادعای ایمان و مجاهدت خود، صادق و راستگو هستند: ﴿...أَوْلِيكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ (الحشر / ۸) (ر.ک؛ ثعلبی، ۴۲۲ ق، ج ۹: ۲۷۸).

۵- بدیهی است جهاد اقتصادی در صورتی دارای ارزش‌های پیشین است که در راه خدا و با انگیزه الهی باشد ﴿فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ (المزمل / ۲۰).

با توجه به اهمیت جهاد و تلاش اقتصادی، قرآن مأموریت انسان را در بُعد مادی زندگی، عمارت و آبادانی زمین، و در بُعد معنوی، عبادت و عبودیت دانسته است و انسان را به انجام این مهم تشویق فرموده است، چنان که می‌خوانیم: ﴿وَأَلِي تَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا

لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ... و به سوی قوم نمود، برادرشان، صالح را (فرستادیم). گفت: ای قوم من! خدا را پرستش کنید که معبودی جز او برای شما نیست! اوست که شما را از زمین آفرید، و آبادی آن را به شما واگذاشت... ﴿هود/۶۱﴾.

۳- راهکارهای قرآن برای پیشرفت اقتصادی

قرآن کریم افزون بر بیان اهمیت و تأکید بر انجام جهاد و رونق اقتصادی، در آیات فراوانی شیوه‌های عملی بهره‌گیری از مواهب طبیعی را عمران و آبادانی زمین و دستیابی به پیشرفت اقتصادی افراد و جوامع، پیش روی آنان نهاده است. از جمله این شیوه‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۳-۱) استفاده از آب‌های گوناگون

﴿وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَّا فِي الْأَرْضِ...﴾ و از آسمان، آبی به اندازه معین نازل کردیم و آن را در زمین (در جایگاهی ویژه) ساکن نمودیم... ﴿المؤمنون/ ۱۸﴾؛ ﴿...وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ...﴾ و از آسمان، آبی فرو فرستاد؛ و به وسیله آن، میوه‌ها را پرورش داد؛ تا روزی شما باشد... ﴿البقره/ ۲۲﴾ و مشابه آن در الأنعام/ ۹۹، الأعراف/ ۵۷ و نوح/ ۱۱-۱۲).

باید به این نکته توجه کرد که باران از عوامل مهم تولید است (فاطر/ ۹ و غافر/ ۱۳). بنابراین، باید مناطق پرباران را شناسایی کرد. قطره‌قطره باران روزی است که خداوند بخشنده برای انسان می‌فرستد. باید از هدر رفتن آن خودداری کرد و از روش‌های جدید آبیاری برای بهره‌برداری بهینه استفاده کرد.

۳-۲) بهره‌برداری از دانه‌های روغنی

﴿فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّاتٍ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَّكُمْ فِيهَا فَوَاكِهٌ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ * وَسَجْرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالذَّهْنِ وَصَبْغٍ لِّلْأَكْلِينَ: سِيسِ بِهِ وَسِيلَهُ أَنْ بَاغِهَايِ مِنْ دَرَخْتَانِ نَخْلٍ

و انگور برای شما ایجاد کردیم؛ باغ‌هایی که در آن میوه‌های بسیار است و از آن می‌خورید. * و (نیز) درختی را که از طور سینا می‌روید [= درخت زیتون] و از آن روغن و نان خورش برای خوردگان فراهم می‌گردد (، آفریدیم) ﴿المؤمنین/۲۰-۱۹﴾. از روغن زیتون هم می‌توان برای غذا بهره برد و هم از آن انواع داروها را ساخت. این درخت با اقسام مختلف خود معمولاً در سرزمین ایران اسلامی هم می‌روید. با بهره‌برداری از این درخت و تولید انبوه آن می‌توان به رونق اقتصادی کشور کمک کرد. در این راستا نیز می‌توان برای کاشت و برداشت درخت زیتون برنامه‌ریزی جامع کرد و تولید آن را گسترش داد و از این طریق برای کشور ارزآوری داشته باشیم.

۳-۳ بهره‌برداری از منابع دریایی

در سوره اسراء می‌خوانیم: ﴿رَبُّكُمُ الَّذِي يُزْجِي لَكُمُ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ...﴾ پروردگارتان کسی است که کشتی را در دریا برای شما به حرکت درمی‌آورد تا از نعمت او بهره‌مند شوید... ﴿(الاسراء/ ۶۶)﴾ که مراد از این آیه، راه انداختن کشتی‌ها در دریا به وسیله باد و امثال آن است. در سوره نحل نیز می‌خوانیم: ﴿وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَازِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ و اوست که دریا را مسخر (شما) ساخت تا از آن، گوشت تازه بخورید، و زیوری برای پوشیدن (مانند مروارید) از آن استخراج کنید، و کشتی‌ها را می‌بینی که سینه دریا را می‌شکافند تا شما (به تجارت پردازید و) از فضل خدا بهره‌گیرید، شاید شکر نعمت‌های او را به جا آورید ﴿(النحل/ ۱۴)﴾. بر اساس این آیه، دریاها علاوه بر اینکه یکی از منابع غنی غذایی و پوشاک برای زندگی می‌باشد، همچنین دارای منابع و معادن بی‌شماری نیز می‌باشند. بنابراین، مثلاً نباید زباله‌های اتمی و صنعتی در دل دریاها رها شوند و برای حفاظت از آن باید برنامه‌ریزی ملی و بین‌المللی طرح و اجرا کرد.

۳-۴ دارو

امروزه دارو می‌تواند اقتصاد کشور را رونق بخشد و می‌توان از آن به عنوان اهرمی استراتژیک استفاده کرد. باید گفت عسل، غذا و داروست و می‌توان آن را به شکل انبوه پرورش داد. در سوره

نحل آمده است: ﴿...يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ...﴾: از درون شکم آنها، نوشیدنی با رنگهای مختلف خارج می‌شود که در آن، شفا برای مردم است ﴿(التحل / ۶۹). در واقع، با استفادهٔ بهینه و روشمند و علمی از داروها و غذاهای سنتی می‌توان از مصرف بی‌رویهٔ داروهای شیمیایی کاست.

۳-۵) چهارپایان

در اقتصاد بُحرانی، مهم‌ترین درآمدهای انسان می‌تواند از چهارپایان باشد و گوشت، شیر، پارچه، سوخت و... که قرآن در این باره می‌فرماید: ﴿وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّارِبِينَ﴾: و در وجود چهارپایان برای شما (درس‌های) عبرتی است. از درون شکم آنها، از میان غذاهای هضم‌شده و خون، شیر خالص و گوارا به شما می‌نوشانیم ﴿(همان / ۶۶). هم اکنون می‌توان از دامداری برای رشد اقتصادی و خودکفایی در آن بهره برد. پرورش و تولید دام را باید روشمند و با استفاده از غذاهای مجاز دامی گسترش داد و کاری کرد که هم بر کمیت و هم بر کیفیت محصولات دامی افزود تا در راستای صادرات و نیازهای داخلی مفید باشند.

۳-۶) زمین

در جامعه‌هایی که صنعتی نیستند، تنها اتکای آنها استفاده از زمین است و جز این راهی برای خودکفایی نیست. توجه به صنعت بدون عنایت به کشاورزی اشتباه بزرگی است. خداوند زمین را برای مردم نهاد: ﴿وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ﴾: زمین را برای خلایق آفرید ﴿(الرحمن / ۱۰). باید همهٔ ویژگی‌های مناطق مختلف را شناخت و نهایت استفاده را برد، چراکه خداوند بزرگ زمین را رام و مستخر انسان نموده است: ﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذَلُولًا...﴾: اوست که زمین را برای شما رام کرد... ﴿(الملك / ۱۵). امروزه معطل گذاشتن زمین‌های مستعد، به نوعی به هدر دادن سرمایه است که می‌توان با برنامه‌ریزی صحیح، در هر زمینی، محصولات مناسب آن زمین را کاشت.

۷-۳) وسعت منابع تولید

بالآخره باید گفت قرآن به گستردگی منابع تولید عقیده دارد: ﴿وَأَتَاكُمْ مِّنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِن تَعْدُوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا...﴾ و از هر چیزی که از او خواستید، به شما داد؛ و اگر نعمتهای خدا را بشمارید، هرگز آنها را شماره نتوانید کرد ﴿(ابراهیم/ ۳۴)﴾؛ ﴿وَلَقَدْ مَكَنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ...﴾ ما تسلط و مالکیت و حکومت بر زمین را برای شما قرار دادیم و انواع وسایل زندگی را برای شما فراهم ساختیم... ﴿(الأعراف/ ۱۰)﴾. پس با توجه به اینکه همه چیز در زمین هست، باید با مدیریت صحیح، از منابع موجود استفاده کرد و منابع شناخته نشده را شناسایی کرد و به کار گرفت و این با اهمیّت دادن به رشته‌های زمین‌شناسی، معدن، زیست‌شناسی و... محقق می‌شود.

امام علی^(ع) که در بیان و کردار خود مفسر قرآن کریم است، در عهدنامه ماندگار خود به مالک اشتر، یکی از مأموریت‌های مهم حاکمان را عمران و آبادانی زمین معرفی فرموده است و می‌فرماید: «... باید توجه تو به آباد کردن زمین بیش از توجه به گرفتن خراج باشد، چراکه خراج جز در نتیجه آبادی فراهم نمی‌آید. هر کس بدون آباد کردن زمین خواستار خراج شود، کشور را خراب و مردم را هلاک کرده است و کار او جز اندکی، راست نخواهد شد. پس اگر از زیادی مالیات (خراج)، یا رسیدن آفات آسمانی، یا قطع شدن آب، یا خراب شدن بذر در نتیجه غرق شدن زمین در زیر آب، یا نابود شدن ماده غذایی از زمین شکایت کنند، باید چنان بار مردم را سبک کنی که کارشان اصلاح شود و این کار نباید بر تو گران افتد؛ زیرا که این اقدام همچون ذخیره‌ای است که مردم خود آن را با آباد کردن، آراستن و پیراستن سرزمین‌ها بازمی‌گردانند. علاوه بر این، سپاسگزار تو نیز خواهند شد و خود از اینکه با عدل و داد با مردمان رفتار کرده‌ای، شادمان خواهی بود و به دلیل راحتی که برای ایشان فراهم کرده‌ای و عدل و مهربانی که نسبت به آنان روا داشته‌ای و (بدین گونه) اعتمادشان را جلب کرده‌ای، می‌توانی به حسن نیت و خدمت ایشان بیشتر متکی باشی. بسا که در آینده حادثه‌ای پیش آید که چون در آن به یاری ایشان چشم داشته باشی، با کمال صفای دل، آن را تحمل کنند و این همه برای عمران و آبادی ضرورت دارد. ویرانی زمین از فقر مردم آن نتیجه می‌شود و زمانی مردمان، فقیر می‌شوند که والیان در اندیشه جمع مال و نسبت به باقی

ماندن بر سر کار خود بدگمان باشند و از چیزهایی که مایه عبرت گرفتن است، بهره‌مند نشوند» (نهج‌البلاغه / ن ۵۳).

۴- سیره پیشوایان معصوم در انجام فعالیت‌های اقتصادی

کلمه‌های کار، تلاش، عمران، آبادی و تولید، انسان را به نشاط درمی‌آورد و او را از رخوت و سُستی دور ساخته، آینده‌ای زیباتر برای او رقم می‌زند. زندگی انسان بر محور کار می‌گردد. مظاهر تمدن بشری به طور کامل، مستمر و طولانی در زندگی بشر بر گره زمین است. ساختمان‌های بلند، سدهای عظیم، تونل‌های طولانی، هواپیماهای گول‌پیکر، کتابخانه‌های بزرگ، رصدخانه‌ها و همه آنچه در گره خاکی وجود دارد، حاصل عملکرد آدمی است. اثر کار فقط در ابعاد اقتصادی و تولید نیست، بلکه در نظام اخلاقی، تربیتی، اجتماعی و فرهنگی نیز نقش مؤثری را ایفا می‌کند. از همین رو، در متون دینی به ابعاد گوناگون آن توجه داده شده است و جایگاه آن را روشن ساخته‌اند (ر.ک؛ رضایی، ۱۳۸۲: ۱۷). با توجه به فراخور موضوع در این بحث، بیشتر به جنبه اقتصادی آن پرداخته خواهد شد.

اقتصاد یک جامعه، رمز بقای آن است. همانگونه که قبلاً نیز گفته شد، اقتصاد، متکی بر تصرف در طبیعت و هر چیزی است که در آن است و این نتیجه جز با کار به دست نمی‌آید. پس کار برای اقتصاد همچون ستون برای خانه است؛ یعنی همانگونه که خانه بدون ستون پدید نمی‌آید، اقتصاد هم بدون کار معنایی ندارد و از این لحاظ، میان اقتصاد فردی و اجتماعی تفاوتی نیست. پس بر آدمی واجب است که پیشه و کاری داشته باشد، به‌گونه‌ای که نیازهای خود و اجتماع را تأمین کند و بر ثروت ملت خویش بیفزاید و برای همین، خداوند متعال نیروی کار کردن به آدمی داد و به تعبیر امام سجّاد (ع): «رَكَّبَ فِينَا آلَاتَ الْبَسْطِ، وَ جَعَلَ لَنَا أَدَوَاتَ الْقَبْضِ، وَ مَتَّعَنَا بِأَرْوَاحِ الْحَيَاةِ، وَ أَثْبَتَ فِينَا جَوَارِحَ الْأَعْمَالِ: در [پیکر] ما ابزار گشادن و وسایل گرفتن نهاد و ما را از نیروهای حیات بهره‌مند ساخت و به ما اندام‌هایی (دست و پا) برای کار کردن داد» (صحیفه سجّادیه / ۳۰).

آری، خداوند طبع آدمیان را مشتاق کوشش و تلاش آفرید و به آنان فکر هدایت‌گر و انگیزنده به کار و عمل بخشید (الفِکْرُ مَرَّآةٌ صَافِيَةٌ: فکر آینه‌ای روشن است)، و زمین و آنچه را که در آن و بر

آن است، به گونه‌ای فراهم آورد که برای آدمی پرداختن به کار در آن میسر باشد. پس انسان نمی‌تواند عذری برای رها کردن کار و شغل داشته باشد و بار خویشتن را بر دوش دیگران نهد. اسلام آن کس را که بار خویش بر دوش دیگران گذارد، لعنت کرده است و او را وبالی بر اقتصاد اجتماعی و اموال عمومی شمرده است که از دسترنج دیگران می‌خورد و هر کس را موظف ساخته که به کاری و پیشه‌ای بپردازد و در کار خود نیز کوشا، جدی، متعهد، امین و درستکار باشد تا چرخ زندگی بشری از راه تعاون و همکاری بچرخد و هر کس از ثمره کار خویش برخوردار شود (و نه، تنها از نتیجه کار و تلاش دیگران)، و نیز میوه چیده شده با هر دست به دهان صاحب دست برود (ر.ک؛ حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۵: ۴۵۲).

به همین دلیل، در سیره پیشوایان معصوم (ع) فعالیت‌های اقتصادی افراد، ارزش بالایی دارد. آن بزرگوران، کارگران و تولیدکنندگان را بسیار تشویق می‌کردند. سیره عملی پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) این بوده است که بار زندگی خود را شخصاً به دوش می‌کشیدند و هیچ گاه برای تأمین امور ضروری زندگی، خود را وابسته به دیگران نمی‌کردند. مسئولیت سنگین هدایت معنوی انسان‌ها هم مانع از اشتغال آنان به فعالیت‌های مثبت و سازنده نمی‌شد و از بابت نقش هدایتی خود هیچ مطالبه‌ای و مزد از مردم نمی‌کردند. در قرآن کریم نیز آیات بسیاری دلالت بر اشتغال پیامبران به فعالیت‌های مختلف اقتصادی می‌کند و در بسیاری از آیات هم به نوع فعالیت آنان اشاره شده است.

رویکرد قرآن کریم بدین موضوع به گونه‌ای است که به هیچ وجه میان فعالیت انبیا به عنوان فرستاده خداوند و هدایت‌کننده انسان‌ها با اشتغالات دنیوی آنها تباین و تضادی نمی‌بیند و شغل‌هایی که عهده‌دار آن بودن، د از نوع مشاغل معمولی آحاد جامعه یا حتی اغلب از مشاغل قشر متوسط به پایین جامعه بود؛ شغل‌هایی چون چوپانی، نجاری، آهنگری، زراعت، تجارت و ... گاهی نیز در بخش‌های مختلف زندگی خود به فعالیت‌های متفاوت می‌پرداختند. هیچ گاه در تأمین نیاز مادی خود و خانواده خود دست نیاز مقابل دیگران دراز نمی‌کردند. به استناد بعضی روایات، همه انبیا در بخشی از زندگی خود به کار چوپانی پرداختند. البته این موضوع می‌تواند با ساختار حاکم بر مناسبت‌های اقتصادی جوامع سنتی - که معمولاً شبانی یا کشاورزی بود، منطبق باشد (ر.ک؛

ولوی، ۱۳۸۱: ۱۶۸-۱۶۷). ابن جوزی معتقد است که آدم(ع) به کشاورزی، نوح به نجاری، ادریس به خیاطی، صالح به بازرگانی، ابراهیم به کشاورزی و شعیب و موسی به چوپانی، داوود به اسلحه‌سازی، سلیمان به پادشاهی و پیامبر اسلام (ص) به شبانی اشتغال داشتند و حوّا نخ‌ریسی می‌کرده است (ر.ک؛ ابن جوزی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۱۴۶).

از مجموع همه اشاره‌هایی که در باب شغل انبیاء در متون و منابع مختلف دیده می‌شود، یک نکته مشترک که همه روی آن متفق هستند، قابل استنباط است و آن اینکه همه انبیاء به شغلی مشغول بوده‌اند و هیچ یک از آنان به بهانه اعتکاف و خلوت‌گزینی، دعا و نماز یا به‌خاطر انجام مأموریت و مسئولیت‌های سنگین نبوت و رسالت، شانه از زیر بار مسئولیت‌های فردی و اجتماعی خود خالی نکرده‌اند و این امر بیانگر نوع نگرش آن برگزیدگان الهی به دنیا و رابطه آن با آخرت است و بر اندیشه‌های انحرافی زهدمآبانه که کار و تولید را با کمالات معنوی و مصالح آخروی در تضاد می‌دانستند و یا افکار باطل ارباب‌مآبانه که کار را وظیفه افراد پست و پایین جامعه می‌دانستند، خطا بطلان می‌کشد.

۵- ارزش کار در اسلام

بیکاری در اسلام مردود است و کار به عنوان یک امر مقدّس شناخته شده است و خدای متعال کارکنان را دوست دارد که حضرت علی (ع) در این باب می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْتَزِفَ الْأَمِينِ: خداوند کسی را که دارای یک حرفه است و بدان اشتغال دارد و امانت‌دار است، دوست دارد» (حرّ عاملی، ۱۳۹۱ق: ۱۲، ۱۳، ۱۴). در حدیث دیگری از امام صادق (ع) نیز نقل شده که کسی که خود را برای زندگی خویش به مشقت می‌اندازد، مانند کسی دانسته شده که در راه خدا جهاد می‌کند (ر.ک؛ کلینی، ۱۳۸۸ق: ۱، ۵ و ۸۸) و پیامبر خدا (ص) کسی را که سنگینی [معاش] خود را بر دوش مردم بیندازد، ملعون دانسته است (ر.ک؛ همان: ۵، ۷ و ۷۲).

بدین دلیل است که وقتی در حضور پیامبر (ص) درباره کسی سخن می‌گفتند، حضرت می‌پرسید کارش چیست. اگر می‌گفتند کار ندارد، می‌فرمود: «سَقَطَ مِنْ عَيْنِي» یعنی در چشم من دیگر ارزش ندارد (مطهری، ۱۳۸۷: ۲۲ و ۷۸۶) علی (ع) نیز بر این اساس، کار را شعار مؤمن

دانسته، می‌فرماید: «الْعَمَلُ شِعَارُ الْمُؤْمِنِ» (آمدی، ۱۳۶۰: ۴۰۸) که بر این اساس، بیکار ایمان ندارد و در حدیث دیگری کار را همسفرِ شخص برخوردار از یقین دانسته، می‌فرماید: «الْعَمَلُ رَفِيقُ الْمُؤْمِنِ» (همان: ۹۷۵)؛ یعنی اهل یقین به خود اجازه نمی‌دهند که لحظه‌ای بیکار باشند و از تمام لحظات خود بهینه استفاده می‌کنند. پس بدین روی است که ارزش مؤمن بستگی به کارش دارد، همچنان که علی (ع) متذکر آن شده، می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ بِعَمَلِهِ» (همان: ۱ و ۱۲).

ارزش مؤمن بر اساس عملکرد اوست و برترین کارها، کاری است که عامل آن برای انجام آن بسیار تلاش کند. علی (ع) در این باره می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ مَا أَكْرَهْتَ نَفْسَكَ عَلَيْهِ: برترین کارها کاری است که خود را ناگزیر بر انجام آن قرار دهی» (نهج‌البلاغه / ق ۲۴۹).

یکی از بارزترین امتیازهای جوامع ایده‌آل، داشتن اقتصادی سالم، پویا و وجود مجریان فعال، متعهد و کاردان در عرصه‌های اقتصادی است. پیامبران الهی نیز برای ایجاد قسط و عدالت در سطح وسیع آن در میان اقشار مختلف جامعه و تأمین نیازهای مادی مردم و آبادانی و آسایش آنان و به‌وسیلهٔ توزیع عادلانهٔ امکانات، سرمایه‌ها، ایجاد زمینه‌های مناسب، آگاهی‌رسانی همگانی و بالأخره ترویج احسان، نیکوکاری و خدمت کوشیده‌اند تا مردم را به سوی سعادت و نیک‌بختی سوق دهند.

هرگاه بخش‌های اساسی جامعه به کار اشتغال داشته باشند، اقتصاد جامعه رشد و شکوفایی خواهد داشت، تولید و درآمد ملی افزایش می‌یابد، درآمد دولت به جهت مالیات‌ها فزونی می‌گیرد و امکان ارائهٔ خدمات عمومی به مردم فراهم می‌شود. نیروی کار با به‌کارگیری سرمایه باعث تولید جامعه می‌شود و یکی از مبانی اصلی اقتصاد مقاومتی تکیه بر تولید می‌باشد. با بیکاری، نیروی کار، سرمایه بالقوه یا بالفعل معطل می‌ماند و بنیة اقتصادی جامعه ضعیف می‌شود. هرچه تولید بیشتر شود، امکان برخورداری دولت از مالیات‌های مردمی افزایش می‌یابد و آبادی جامعه صورت می‌گیرد. در نامهٔ امام علی (ص) به مالک اشتر آمده است: «اگر وضع خراج‌دهندگان اصلاح شود، افراد دیگر جامعه هم به سامان می‌رسند و باید فکر حاکم اسلامی به آبادی و گسترش تولید، بیش از جمع‌آوری مالیات باشد و گرنه کشور و مردم به نابودی کشانده می‌شوند» (همان / ن ۵۳).

افزایش توان اقتصادی بدون شک از آثار کار و انگیزه مناسبی برای شخص مسلمان در رو آوردن به آن است. به همین دلیل، هرگاه جامعه به کاری احتیاج داشت، شخص باید این گونه «واجبات نظامیه» را انجام دهد و از تلاش خود در این زمینه خودداری نکند، چون گاهی تلاش در انجام مشاغل مورد نیاز جامعه، واجب می‌شود. امروزه جایگاه نیرو و سرمایه انسانی در رشد و توسعه اقتصادی از مباحث مهم و کلیدی اقتصاد کلان و توسعه به شمار می‌رود. یکی از انگیزه‌های اصلی شخص برای کار، رشد اقتصادی جامعه است و تقویت این انگیزه میان نیروی کار، آثار پُربرکتی دارد؛ از جمله آنکه فرد را از توجه به خود دور می‌کند و به فکر دیگران می‌اندازد یا حتی اگر به مال احتیاج ندارد، برای اعتلای جامعه می‌کوشد. در برخی ممالک، مردم ابتدا برای وطن و پس از آن برای خانواده و در نهایت، برای خود کار می‌کنند. این چنین روحیه‌ای به یقین، شکوفایی اقتصادی را موجب می‌شود.

۶- تقویت تولید

فعالیت‌های تولیدی، عنصر اساسی در طلب روزی است و برای اهمیت و تشویق به آن، می‌توان از آیات متعدّد قرآن کریم استفاده کرد. قرآن تصرّف در عوامل تولید و نهادهایی که خداوند برای بشر خلق کرده، توصیه و به شکر این نعمت‌ها و استفاده درست از آنها تأکید و نیز دوری کردن از تصرّف در عوامل تولید را پیروی از گامهای شیطانی دانسته است و نکوهش می‌کند. قرآن کریم با تذکر اینکه خداوند نعمت‌ها و منابع را بری شما آفریده، به جستجو در زمین برای طلب روزی، امر می‌فرماید و به «تهیه قوه» دستور داده است و خواستار آبادانی در زمین شده است و با بیان‌های مختلف، اهمیت تولید و تشویق به آن را گوشزد کرده است. در بیشتر این آیات، هدف از تسخیر آسمان و زمین، خلقت شب و روز، فرستادن باد و باران و حرکت کشتی‌ها در دریاها، جستجو و طلب روزی معرفی شده است (ر.ک؛ عبّاس‌نژاد، ۱۳۸۴: ۴۳۸-۴۳۷). برای نمونه می‌فرماید:

﴿وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتَيْنِ فَمَحْوَنًا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنَا تَفْصِيلًا: مَا شَبَّ وَرُزُّهُ نَشَانَةُ تَوْحِيدٍ وَ عَظَمَتِ خُودِ قَرَارِ دَادِيمِ. سِپِسِ نَشَانَةُ شَبِّ رَا مَحُو كَرْدِيمِ وَ نَشَانَةُ رُوزِ رَا رُوشَنِي بَخْشِ

ساختیم تا (در پرتو آن،) فضل پروردگارتان را بجویید (و به تلاش زندگی برخیزید) و عدد سالها و حساب را بدانید و هر چیزی را مشخص و آشکارا بیان کردیم ﴿(الإسراء/ ۱۲)﴾.

«فضل» که جمع آن «فضول» است (ر.ک؛ ازهری، ۱۴۲۱ق.؛ ذیل «فضل»)، به معنای بیش از حدّ اعتدال است (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق.؛ ذیل «فضل»). مقصود از فضل و زیادت در این آیه، مال است و آنچه که به دست می‌آید و کسب می‌شود (همان).

«إِبْتِغَاءِ فَضْلِ اللَّهِ» در قرآن معمولاً به معنی رزق و کسب و کار مفید و ارزنده است (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۴۶). خداوند بزرگ در این آیه می‌فرماید: «اگر ما آیت روز را روشن قرار دادیم، برای این است که انسان بتواند در آن، به موقع، رزق پروردگار خود را طلب کند، چون «رزق» فضل و عطای خدای تعالی است» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۳: ۵۱).

تمهید مقدمات کار و تلاش، زمینه‌سازی برای آرامش و استراحت و پس از آن، روشنی بخشیدن و چراغانی کردن زمین برای جستجوی روزی، تشویق عملی برای فعالیت اقتصادی است. برآستی اگر روز روشن نمی‌بود و تاریکی شب کنار نمی‌رفت، چگونه امکان فعالیت اقتصادی و جستجوی روزی ممکن بود؟! نمونه دیگر را در سوره روم می‌توان مشاهده کرد که می‌فرماید: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيحَ مَبْشُرَاتٍ وَ لِيُذِيقَكُمْ مِّن رَّحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ و از آیات (عظمت) خدا این است که بادها را به عنوان مژده‌دهندگانی می‌فرستد تا شما را از رحمت خویش بچشانند (و سیراب کند) و کشتی‌ها به فرمانش حرکت کنند و از فضل او بهره گیرید. شاید شکر او را به جای آرید ﴿(الروم/ ۴۶)﴾.

مراد از «إِذَاقَهُ رَحْمَتٍ» رساندن انواع نعمت‌ها است که بر وزیدن باد مترتب می‌شود، چون وقتی باد می‌وزد، عمل تلقیح در گل‌ها و میوه‌ها انجام می‌شود، و عفونت‌ها از بین می‌رود و جو زمین تصفیه می‌شود و نعمت‌هایی دیگر از این قبیل که اطلاق جمله همگی را شامل می‌شود. همچنین ﴿...وَلِتَجْرِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ...﴾ یعنی بادها را می‌فرستد تا چنین و چنان شود و نیز کشتی‌ها به امر او به حرکت درآیند، ﴿وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ﴾، یعنی تا رزق او را که از فضل اوست، طلب کنید» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۶: ۱۹۹).

از آیات دیگر می‌توان به (الفاطر/ ۱۲؛ الجاثیه/ ۱۲ و الإسراء/ ۶۶) اشاره کرد. البتّه بادآوری می‌شود که در بعضی از آیات، واژه «بتغاء» از فضل الهی دیده نمی‌شود، ولی به جستجوی روزی سفارش می‌کنند؛ مانند این آیه که می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ﴾ اوست که زمین را برای شما رام کرد، پس بر شانه‌های آن راه بروید و از روزیهای خداوند بخورید و بازگشت و اجتماع همه به سوی اوست ﴿(الملك/ ۱۵).

با توجه به این آیه می‌توان فهمید که مایه‌های اصلی اقتصاد و کلید بسیاری از درآمدها را خداوند در زمین قرار داده است. این زمین شرایطی را در خود جمع کرده که قابل فرمان بردن است و انسان که خلیفه خدا در زمین است، طوری آفریده شده که می‌تواند از امکانات مادی زمین استفاده کند و در حقیقت، این امکانات را خداوند به انسان سپرده است تا با استقرار بر پشت زمین و بهره‌مندی از هرگونه وسایل طلب، رزق و نصیب مادی خود را از زمین به دست آورد و در این میدان وسیع و خوان گسترده خدای کریم، با همزیستی و حُسن برخورد، همه انسان‌ها با هم بهره گیرند.

امکاناتی که زمین در اختیار انسان نهاده، عبارت است از: تحمّل عملیات کشاورزی، خدمات صنعتی، روابط بازرگانی و بسیاری از فعالیت‌های دیگر. انسان در روی زمین تا آنجا که امکانات جغرافیایی منطقه‌ای اجازه می‌دهد، به تولید می‌پردازد و هنگامی که تولید محلی، نیازهایش را تأمین نکرد، با روابط بازرگانی و مبادلات اقتصادی با سرزمین‌های دور و نزدیک، نیازهای خود را مرتفع می‌سازد و با کار و فعالیت، وسایل زندگی خویش را فراهم می‌آورد. پس انسان موجودی است که عمده نیازهای او به وسیله زمین و در روی زمین فراهم شده است. او باید با حرکت و تلاش مداوم و ملایم خود، طبیعت را رام کند و از آن بهره گیرد، تا با تأمین اقتصاد، بتواند بر مشکلات مادی خود فایق آید و مسیر خود را به سوی کمال پایدارش طی کند. بنابراین، باید گفت که این اقتصاد سالم و پیشرفته است که نقش خود را مستقیماً در زندگی این دنیا و به گونه غیرمستقیم در پیمودن راه کمال آخرت ایفا می‌کند (ر.ک؛ موسوی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۱۲۵).

برخی از آیات نیز با فراهم ساختن زمینه تولید، بر اهمیت و تشویق به تولید نیز دلالت دارند؛ مانند آیات زیر: ﴿وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ﴾ ما

تسلط، مالکیت و حکومت بر زمین را برای شما قرار دادیم و انواع وسایل زندگی را برای شما فراهم ساختیم، اما کمتر شکرگزاری می‌کنید ﴿(الأعراف / ۱۰)﴾؛ ﴿اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لَتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ * وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ: خداوند است که دریا را مسخر شما کرد تا کشتی‌ها به فرمانش در آن حرکت کنند و بتوانید از فضل او بهره‌گیرید و شاید شکر نعمت‌هایش را به جا آورید. * او آنچه در آسمانها و زمین است، همه را از سوی خود مسخر شما ساخته است. در این نشانه‌های (مهمی) است برای کسانی که می‌اندیشند ﴿(الجاثیه / ۱۳-۱۲)﴾؛ ﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْفُلُكَ لَتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْأَنْهَارَ * وَ سَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ وَ سَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ: خداوند است که آسمان‌ها و زمین را آفرید و از آسمان، آبی نازل کرد و با آن، میوه‌ها(ی مختلف) را برای روزی شما (از زمین) بیرون آورد و کشتی‌ها را مسخر شما گردانید تا بر صفحه دریا به فرمان او حرکت کنند و نهرها را (نیز) مسخر شما نمود * و خورشید و ماه را - که با برنامه منظمی در کارند - به تسخیر شما درآورد و شب و روز را (نیز) مسخر شما ساخت ﴿(ابراهیم / ۳۲-۳۳)﴾؛ ﴿وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ * وَ مَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً لِّقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ﴾ * وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَلِيَّةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلُكَ مَوَازِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ: او شب و روز و خورشید و ماه را مسخر شما ساخت و ستارگان نیز به فرمان او مسخر شما شدند. در این، نشانه‌هایی است (از عظمت خدا)، برای گروهی که عقل خود را به کار می‌گیرند. * (علاوه بر این)، آفریدگانی را که در زمین به رنگهای گوناگون آفریده نیز مسخر (فرمان شما) ساخت. در این، نشانه روشنی است برای گروهی که متذکر می‌شوند. * اوست که دریا را مسخر (شما) ساخت تا از آن، گوشت تازه بخورید و زیوری برای پوشیدن (مانند مروارید) از آن استخراج کنید، و کشتی‌ها را می‌بینی که سینه دریا را می‌شکافند تا

شما (به تجارت پردازید و) از فضل خدا بهره گیرید. شاید شکر نعمت‌های او را به جا آورید ﴿التَّحَلُّلُ/ (۱۲-۱۴).

ملّتی که می‌خواهد در برابر استعمار و نفوذ مستکبران دنیا با عزّت و سربلندی زندگی کند، به جای اینکه مدام خود را با سرمایه‌ها و پیشرفت‌های آنها مقایسه کند، نیروی فکری و جسمانی خویش را در راه رشد و ترقّی خویشتن به کار گیرد و به خود بگوید من چیزی کمتر از دیگران ندارم و دلیلی ندارد که نتوانم از آنها بیشتر پیشرفت کنم، من چرا چشم به امکانات و پیشرفت آنها بدوزم که این پیشرفت آنان فقط در جهت مادی است و در بحران معنویّت دست و پا می‌زنند. من خود بهتر و بیشتر تولید می‌کنم. بدین ترتیب، نباید اجازه دهیم که بیگانگان به کشورمان نفوذ کنند. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: «موقّقیّت هر ملّت در پیشرفت‌های خود، نسبت معکوس با نفوذ بیگانگان و دشمنان در آن کشور دارد. نسبت اینها متعکس است؛ یعنی هرگاه بیگانه و یک قدرت خارجی، ولو آن قدرت خارجی علناً اظهار دشمنی نکرده باشد، نفوذش در بین مردم، قشرهای مختلف و فضای سیاسی بیشتر باشد، این ملّت از آینده‌ای همراه با عزّت و همراه با افتخار و تأمین‌شده، فاصله‌اش بیشتر است، نه اینکه با هر بیگانه‌ای باید ستیزه‌گری کرد، نه. گاهی هم انسان به خاطر مصالح، با بیگانه‌ای دوستی می‌کند، اما به همان بیگانه دوست هم نباید اجازه داد که در امور داخل این خانه، این خانواده، این کشور و این جامعه بتواند نقش ایفا کند. از اوّل انقلاب که به کلی رشته‌های نفوذ آمریکا و دیگر قدرتمندان - فقط هم آمریکا نبود، مَنته‌ها بدترینشان آمریکا بود - در این کشور گسسته شد. اینها دایم در فکر بودند که به نحوی در داخل کشور نفوذ کنند و به پیاده کردن فکر خودشان، حرف خودشان، کار خودشان و مقاصد و هدف‌های خودشان پردازند. از همه راه‌ها هم برای این کار استفاده می‌کنند» (بیانات رهبری در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان و جانبازان: ۱۱/۰۸/۱۳۷۹).

یکی از اساسی‌ترین روش‌های مقابله با نفوذ و استعمار دشمنان و تحریم‌های اقتصادی، حمایت از تولید ملّی می‌باشد. این عنوان که بخش نخست نامگذاری سال ۱۳۹۱ نیز بود، موجب تقویت و شکوفایی اقتصادی ملّی می‌گردد. رونق تولید داخلی و کاستن از واردات که می‌تواند به افول و رونق کم و توقّف واحدهای تولید داخلی منجر شود، موجب استقلال اقتصادی، قطع وابستگی به خارج و

ارتقای تکنولوژی در سطح کلان شود. افزایش بهره‌وری در تولید، کاهش قیمت تمام‌شده تولید، کیفیت بهتر و خدمات بیشتر در رقابت با تولید خارجی و کاهش واردات و حمایت از تولید ملی، از عوامل مهم تحرک و رونق اقتصاد داخلی می‌باشد.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب بیان شده در این پژوهش، به این نتیجه می‌رسیم که:

- قرآن کریم افزون بر بیان اهمیت و تأکید بر انجام جهاد و رونق اقتصادی، در آیات بسیاری شیوه‌های عملی بهره‌گیری از مواهب طبیعی را عمران و آبادانی زمین و دستیابی به پیشرفت اقتصادی افراد و جوامع، پیش روی آنان نهاده است.

- در سیره پیشوایان معصوم (ع) نیز فعالیت‌های اقتصادی افراد، ارزش بالایی دارد. آن بزرگوران، کارگران و تولیدکنندگان را بسیار تشویق می‌کردند. سیره عملی پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) این بوده که بار زندگی خود را شخصاً به دوش می‌کشیدند و هیچ گاه برای تأمین ضروریات زندگی، خود را وابسته به دیگران نمی‌کردند.

- قرآن کریم تصرف در عوامل تولید و نهاده‌هایی که خداوند برای بشر خلق کرده، توصیه می‌کند و به شکر این نعمت‌ها و استفاده درست از آنها تأکید و دوری کردن از تصرف در عوامل تولید را پیروی از گام‌های شیطانی دانسته است و نکوهش می‌کند.

- رونق تولید داخلی و کاستن از واردات که می‌تواند به افول و کم‌رونقی و توقف واحدهای تولیدی داخلی منجر شود، موجب استقلال اقتصادی، قطع وابستگی به خارج و ارتقای تکنولوژی در سطح کلان می‌شود.

- افزایش بهره‌وری در تولید، کاهش قیمت تمام‌شده تولید، کیفیت بهتر و خدمات بیشتر در رقابت با تولید خارجی و کاهش واردات و حمایت از تولید ملی، از عوامل مهم تحرک و رونق اقتصاد داخلی می‌باشد.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم. (۱۳۷۹). ترجمه محمد مهدی فولادوند. تهران: دارالقرآن الکریم.
- آمدی، عبدالواحد. (۱۳۶۰). *تحریر الحکّم و دُرر الکلم*. تحقیق میرجلال‌الدین المحدث. چاپ سوم. تهران: دانشگاه تهران.
- ابن جوزی، أبو الفرج عبدالرحمن بن علی. (۱۴۱۵ق.). *المنتظم فی تاریخ الملوک و الأمم*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ازهری، أبو منصور محمد بن أحمد. (۱۴۲۱ق.). *تهذیب اللّغه*. چاپ اول. بیروت: دار إحياء التّراث العربی.
- بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار با دانشجویان و دانش‌آموزان و جانبازان*. ۱۰۸/۱۱. ۱۳۷۹.
- ثعلبی، ابواسحاق أحمد. (۱۴۲۲ق.). *الکشف و البیان*. با تحقیق أبو محمد بن عاشور. چاپ اول. بیروت: دار إحياء التّراث العربی.
- حرّ عاملی، محمد. (۱۳۹۱ق.). *وسائل الشّیعه*. چاپ چهارم. بیروت: دار إحياء التّراث العربی.
- حقّی بروسوی، اسماعیل. (۱۴۲۱ق.). *تفسیر روح البیان*. تصحیح احمد عزّ و عنایه. بیروت: دار إحياء التّراث العربی.
- حکیمی، محمدرضا و محمد و علی حکیمی. (۱۳۸۰). *الحیاه*. ترجمه احمد آرام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق.). *مفردات الفاظ قرآن*. بیروت: دار القلم.
- رضایی، مجید. (۱۳۸۲). *کار و دین*. تهران: کانون اندیشه جوان.
- شریف رضی، محمد بن حسین. (۱۳۷۹). *نهج البلاغه*. ترجمه محمد دشتی. قم: مشهور.
- صحیفه سجادیه*. (۱۳۷۶). امام علی بن حسین (ع). قم: نشر الهادی.
- طباطبائی، محمدحسین. (۱۴۱۷ق.). *المیزان فی تفسیر قرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

عبّاس نژاد، محسن. (۱۳۸۴). *قرآن و اقتصاد*. مشهد: مؤسسه انتشارات بنیاد پژوهش‌های قرآن، حوزه و دانشگاه.

عبّاشی، أبونصر محمد بن مسعود. (۱۴۲۱ق.). *التفسیر العیاشی*. چاپ اول. قم: مؤسسه البعثه.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۸ق.). *کافی*. تحقیق علی‌اکبر غفّاری. چاپ سوم. تهران: دار الکتب الإسلامیّه.

مطهری، مرتضی. (۱۳۸۷). *مجموعه آثار؛ تعلیم و تربیت در اسلام*. چاپ چهارم. تهران: صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الإسلامی.

موسوی اصفهانی، جمال‌الدین. (۱۳۶۸). *پیام‌های اقتصادی قرآن*. بی‌جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

ولوی، علی‌محمد. (۱۳۸۱). *فرهنگ کار در اسلام (پژوهشی در قرآن و سیره معصومان)*. تهران: امیرکبیر.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی